

وظیفه مأموم هنگام قرائت سوره عزیمه

در نماز جماعت*

- ☐ محمد مهدی یزدانی کمرزرد^۱
☐ محمد امامی^۲
☐ سید مهدی نقیبی^۳

چکیده

چنانچه شخصی به جماعت اقتدا نماید و امام جماعت سوره عزیمه قرائت نماید، اما در بین نماز، سجده سوره عزیمه را انجام ندهد، مأموم از سویی باید به خاطر استماع آیه سجده، سجده آن را انجام دهد و از دیگر سویی، انجام این سجده ممکن است موجب خلل در نماز باشد. مأموم دچار این مشکل می شود که کدام طرف را بپذیرد و راه حل برون رفت از این چالش چیست؟ در این زمینه،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (yazdani@razavi.ac.ir).
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (dr.imami@razavi.ac.ir).
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (m.naghbi@razavi.ac.ir).

میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. طبق یک نظریه، تبعیت از امام اقتضا می‌کند که مأموم هم سجده را ترک نماید. نظریه دوم قائل است که مأموم باید سجده کند و برای او تبعیت از امام در این حال جایز نیست. قائلان به نظریه دوم، راه‌حل‌های مختلفی ارائه داده‌اند. عده‌ای گفته‌اند در این حالت، مأموم باید بدل سجده را انجام دهد؛ یعنی ایماء و اشاره جایگزین سجده می‌شود. گروهی گفته‌اند باید هم از ایماء استفاده کند و هم سجده را بعد از پایان نماز انجام دهد و از نظر برخی دیگر، وظیفه او فقط انجام سجده بعد از نماز است. این مقاله که با مطالعه متون کهن، مستندات فقهی مسئله را به شیوه تحلیلی - توصیفی بررسی کرده است، با بررسی مستندات نظریه‌های مربوط، نتیجه‌گیری نموده است که به تبع امام، مأموم نیز نباید سجده را انجام دهد؛ یک به دلیل وجود مقتضی و فقدان مانع، انجام ایماء و اشاره برای او الزامی است و نمازش صحیح است.

واژگان کلیدی: سوره عزیمه، سجده، نماز جماعت، مأموم، ایماء.

مقدمه

در آموزه‌های اسلامی، تأکید زیادی بر شرکت در نماز جماعت شده است. استحباب نماز جماعت تا جایی است که در روایات به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (صدوق، ۱۴۱۷: ۲۶۱)؛ هر رکعت [نماز جماعت] نزد خداوند شایسته‌تر است از عبادت چهل سال.

نیز در مورد اقتدا به ائمه جماعات اهل سنت به‌ویژه در مسجدالحرام و مسجدالنبی توصیه فراوان شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام درباره اهمیت نماز گزاردن با مخالفان مذهبی فرمود:

«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَكَأَنَّمَا صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (کلینی، ۱۳۶۷: ۳۸۰/۳؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۴۴۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۸۱/۵)؛ هر که با آنها [مخالفان] در صف اول نماز بگذارد، گویا با رسول خدا صلی الله علیه و آله در صف اول نماز خوانده است.

در روایت دیگری که از عبدالله بن سنان نقل شده است، آن حضرت فرمود:

«صَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۸۲/۵)؛ با آنان [اهل سنت] در مساجدشان نماز بخوانید.

همچنین در روایت دیگری از امام موسی بن جعفر علیه السلام که از نظر مشهور فقهای امامیه صحیح است^۱ و در این مقدمه مجال بررسی آن نمی باشد، آمده است:

«صَلَّى حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ خَلْفَ مِرْوَانَ وَنَحْنُ نَصَلِّيْ مَعَهُمْ» (همان: ۳۸۳/۵؛ همو، ۱۳۶۵: ۲۷۷/۳)؛ امام حسن و امام حسین علیه السلام پشت سر مروان به نماز ایستادند و ما هم با آنان نماز می خوانیم.

از دیگرسوی، سالانه بسیاری از شیعیان به منظور شرکت در مراسم عبادی سیاسی حج به سرزمین وحی مشرف می شوند و تعداد قابل توجه دیگری نیز در طول سال برای انجام عمره مفرده به این مکان مقدس پا می گذارند. به طور طبیعی در مدت زمانی که آنجا هستند عموماً در نماز جماعت برادران اهل سنت شرکت می کنند. در این مدت، چه بسا امام جماعت در قرائت نماز، یکی از آیات عزیمه قرآن را قرائت نماید که به دنبال آن، برخی سجده قرائت را در بین نماز انجام می دهند و برخی آن را انجام نداده، به سجده نماز اکتفا می نمایند. هرچند آنچه غالباً مشاهده شده و مشاهده می شود، سجده امام در چنین مواردی است. وظیفه مأموم در صورت سجده امام در خلال نماز، در مقاله ای دیگر مورد بررسی قرار گرفته است (امامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹-۱۱۱). اما فرض دیگری که در کتب فقهی اهل سنت مطرح شده است و برخی از مذاهب به آن فتوا داده اند، عدم انجام سجده در حال نماز توسط امام جماعت است.

در این صورت لازم است بررسی شود که وظیفه فقهی مأموم در صورت مواجهه با چنین وضعیتی چیست؟

آنچه در این مقاله مورد کندوکاو قرار گرفته است، بررسی کتاب های فقهی امامیه و به دست آوردن نظرات فقها و ادله آنان برای پاسخ گویی به پرسش فوق است. ویژگی این تحقیق و تفاوت آن با مقالات مشابه، در چند جهت خلاصه می شود: اولاً موضوع مقاله کاملاً جدید است و هیچ گونه پیشینه ای در مورد آن به دست نیامده است. ثانیاً این مقاله در ادامه چند مقاله دیگر است که به صورت زنجیره ای منتشر شده و مسائل مرتبط با قرائت آیه عزیمه در نماز را در حالت های مختلف مورد بررسی قرار می دهد.

۱. آیه الله مکارم شیرازی در مورد سند این حدیث می فرماید: «کتاب علی بن جعفر نزد صاحب وسائل بوده است و احادیثی که او از آن کتاب نقل می کند، صحیح است» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲/۹/۲۶).

به همین جهت، همان‌گونه که عنوان مقاله گویاست، برای پرهیز از تکرار مطالب و آنچه که در مقالات دیگر مورد بررسی قرار گرفته است، فقط حکم همان فرض مورد بررسی قرار می‌گیرد. ثالثاً اصل موضوع قرائت سوره عزیمه در اقتدا به ائمه جمعه اهل سنت به‌ویژه در سفر حج و عمره مبتلابه و کاملاً کاربردی و مورد نیاز است و رابعاً در این تحقیق، کتب دست‌اول فقهی مورد استفاده قرار گرفته و نظرات فقها بدون واسطه و به‌صورت مستقیم از متون استخراج شده است.

بررسی این مسئله، ضمن مطالعه یک موضوع فقهی با نگاهی نو و به شیوه تحلیلی کتابخانه‌ای بر مبنای منابع اسلامی، دربردارنده طرح و بررسی دیدگاه فقه‌ای امامیه پیرامون پرسش فوق می‌باشد. این دیدگاه‌ها در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی بیان حکم تکلیفی مأمومین در موضوع بحث، و دیگری حکم وضعی این نماز.

۱. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث و طرح دیدگاه‌ها و دلایل هریک از آنها، تنها به مفهوم‌شناسی دو واژه «سوره» و «عزیمه» می‌پردازیم. از آنجا که مفهوم امام جماعت، مأموم و نماز جماعت کاملاً روشن و واضح است، از ارائه توضیح پیرامون این سه کلمه خودداری می‌شود.

۱-۱. سوره

درباره معنای لغوی و منشأ اشتقاق کلمه «سوره»، نظرهای مختلف است. بعضی آن را از سور به معنای حصار دانسته‌اند. در زبان عربی به حصاری که دور شهر کشیده می‌شد و شهر را در داخل خود جای می‌داد و بر تمام آن احاطه داشت، سور می‌گفتند. «سور البلد» دیوار بلندی بود که دور شهر کشیده می‌شد. گویا آیات هر سوره قرآن، داخل حصاری قرار گرفته و به همین دلیل به آن سوره می‌گویند. برخی نیز «سوره» را از سوار، به معنای دستواره دانسته‌اند؛ چون سوره قرآن همچون دستواره‌ای، آیاتی از آن را احاطه کرده است. در این مورد، نظرهای دیگری نیز وجود دارد (حجتی، ۱۳۷۲: ۸۳).

سوره در اصطلاح به معنای «بخشی از آیات قرآن می‌باشد که دارای آغاز و انجامی

است» (همان: ۸۴). بعضی نیز گفته‌اند: «سوره بخشی از آیات قرآنی است که میان دو بسم‌الله قرار دارد» (سیوطی رحیبانی، ۱۹۶۱: ۹۰/۱). به‌هرحال، دو تعریف بالا قابل جمع‌اند و مفهوم دقیق آن در این جستار از اهمیت چندانی برخوردار نیست؛ زیرا منظور فقها از سوره کاملاً روشن است.

۲-۱. عزیمه

عزیمه در لغت به معنای قصد و تصمیم است و هنگامی که انسان مصمم به انجام کاری است، می‌گویند عزم دارد (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۷۵/۳). عزم هم به معنای اراده و تصمیم و هم به معنای عزیمت و شریعت است و مراد از «أولوا العزم»، پیامبران صاحب شریعت‌اند (قرائتی، ۱۳۸۴: ۵۲/۹). سوره عزیمه را به این نام نامیده‌اند، زیرا سجده آن‌ها فریضه و لازم شده است. طریحی می‌نویسد: «وعزائم السجود فرائضه التي فرض الله تعالى السجود فيها» (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۷۶/۳)؛ چنان‌که فرایض الهی، به واجبات بدون شک و شبهه الهی گفته می‌شود. برخی نیز عزیمه را به معنای تعویذ دانسته‌اند (زبیدی، ۱۳۸۹: ۴۷۷/۱۷)؛ چه اینکه با قرائت این سوره‌ها انسان عزم خود را جزم می‌کند که بر شیطان غلبه کند. برخی نیز درباره وجه نام‌گذاری سوره‌های عزائم گفته‌اند:

«وعزائم القرآن الآيات التي يقرأ بها على ذوى الآفات لما يرجى من البرء بها» (فراهِیدی، ۱۴۰۹: ۳۶۳/۱؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۲۳۵/۲)؛ عزائم قرآن آیاتی است که با خواندن آن‌ها، امید غلبه کردن و افسون کردن عوامل شر و آفت‌زا وجود دارد.

۲. حکم تکلیفی مأموم نسبت به سجده

در صورت اقتدای پیروان مکتب امامیه به امام جماعت اهل سنت، چنانچه امام جماعت در قرائتش آیه سجده را تلاوت نماید، ولی در بین نماز سجده آن را انجام ندهد، نسبت به چگونگی انجام سجده از سوی مأموم و اینکه او در این حال چه وظیفه‌ای دارد و چه کاری باید انجام دهد تا هم تکلیف خود را به‌نحو صحیح انجام داده باشد و هم نمازی را که شکستن آن حرام است، قطع نکند، همچنین تبعیت مأموم از امام را نقض نکند و نیز موجبات وهن مذهب شیعه را در میان مسلمانان دیگر فراهم نیاورد، مباحثی وجود دارد که لازم است به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

اولاً یادآوری این نکته لازم است که بنا بر نظر فقهای اهل سنت و برخی فقهای امامیه، قرائت سوره سجده در نماز جایز است (نووی، بی‌تا: ۷۲/۴؛ ملیبازی هندی، ۱۴۱۸: ۲۴۶/۱؛ ابن‌قدامة، بی‌تا: ۶۴۸/۱؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ۲۲۹/۲؛ محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۷۵/۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۳۲/۲) و از حیث تلاوت سوره سجده، نماز دچار هیچ مشکلی نیست (امامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۷). اما اینکه براساس همین نظریه، نسبت به انجام سجده چگونه اقدام گردد و نیز براساس نظریه مشهور که قرائت سوره عزیمه را جایز نمی‌دانند مگر در صورت تقیه یا در صورت اقتدا به امام جماعتی از اهل سنت که سوره عزیمه تلاوت می‌نماید، در مورد این مسئله با فرض عدم سجده توسط امام، دیدگاه‌های متفاوتی در بین فقیهان شیعه وجود دارد.

۱-۲. نظریه اول: ترک کلی سجده توسط مأمومین

از سخن برخی فقها همچون محقق کرکی و شهید ثانی چنین برداشت می‌شود که در فرض مسئله که امام جماعت سجده عزیمه را در نماز ترک کرده است، مأموم نیز لازم است سجده را به تبعیت از امام ترک کند.

۱-۱-۲. دلایل

برای قول به عدم جواز سجده مأموم، دو دلیل بیان شده است:

۱-۱-۲-۱. دلیل اول

یکی از دلایل این قول، اطلاق ادله وجوب تبعیت مأموم از امام در نماز جماعت است. تبعیت به این معناست که مأموم ایجاباً و سلباً باید تابع امام باشد؛ یعنی اگر امام سجده کرد، مأموم هم سجده کند و اگر سجده نکرد، مأموم هم سجده نکند. در کتاب وسائل، بابی با عنوان «باب وجوب متابعة المأموم الإمام» به این مسئله اختصاص داده شده و روایاتی در همین راستا بیان گردیده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۹۰/۸). برای نمونه به یکی از این روایات اشاره می‌کنیم:

«عن محمد بن علی بن فضال، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: قلت له: أسجد مع الإمام فأرفع رأسي قبله، أعيد؟ قال: أعد واسجد» (همان: ۳۹۱/۸).

اگر واقعاً متابعت واجب نباشد، چرا حضرت می‌فرماید دوباره به سجده برگرد. به همین جهت است که می‌بینیم محقق کرکی و شهید ثانی در فرض اقتدا به امام جماعت سنی از روی تقیه و قرائت سوره عزیمه توسط او، به صورت مطلق قائل به وجوب تبعیت شده‌اند که نتیجه اطلاق کلام آنان در لزوم تبعیت از امام، لزوم ترک سجده بر مأموم با فرض ترک سجده توسط امام می‌باشد (کرکی عاملی، ۱۴۰۸: ۲۶۵/۲؛ جبعی عاملی، ۱۳۷۸: ۲۵۳).

۲-۱-۱-۲. دلیل دوم

دلیل دیگر این قول، تعمیم حکم وجوب ترک سجده از نماز فرادا به نماز جماعت است. وقتی نمازگزار فرادا که تبعیت از امام در مورد او منتفی است، با شنیدن آیه سجده از امام جماعت، نباید سجده کند، مأموم که تبعیت از امام بر او واجب است، به طریق اولی نباید برخلاف امام کاری از او صادر شود و بنابراین نباید سجده را انجام دهد.

۲-۱-۲. نقد و بررسی

۱-۲-۱-۲. اشکال دلیل اول

اولاً اغلب روایات وجوب تبعیت مأموم از امام که صاحب وسائل آن‌ها را در یک باب گردآوری کرده است، درخصوص رکوع و سجود است و شاید برداشت کلی و القاء خصوصیت از آن‌ها، ظنی و بلادلیل باشد. تنها روایتی که کلی است و در آن عبارت «لا تختلفوا» به کار رفته است، به نظر می‌رسد که ناظر به همراهی با امام است، نه انجام عملی علاوه بر عمل امام. به عبارت دیگر در این روایات اطلاقی وجود ندارد؛ زیرا ظاهر روایات وجوب متابعت در مورد نهی از پیشی گرفتن از امام در ورود و خروج از رکوع و سجود می‌باشد و تعمیم این نهی به لزوم ترک عملی که امام انجام نداده است، نمی‌تواند معقد اطلاق روایات باشد.

ثانیاً به فرض که چنین اطلاقی وجود داشته باشد و از برخی روایات، ترک سجده به تبعیت از ترک آن توسط امام را برداشت کنیم، از برخی روایات دیگر که امر به ایماء نموده‌اند، استفاده می‌شود که این ترک به تنهایی کافی نیست، بلکه باید گفت که

گرچه سجده در اثناء نماز ترک می‌شود، اما لازم است بدل آن یعنی ایماء جایگزین آن شود؛ مثلاً در موثقه سماعه صراحتماً امر به ایماء به جای سجده آمده است:

«عن سماعة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن صليت مع قوم فقرأ الإمام ﴿إِقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ أو شيئاً من العزائم، وفرغ من قراءته ولم يسجد، فأوم إيماءً» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۸/۴).

۲-۲-۱-۲. اشکال دلیل دوم

در مورد دلیل دوم نیز می‌توان گفت که دستور امام مبنی بر عدم سجده، منافات با بدلیت اشاره و ایماء به جای آن ندارد و با آن قابل جمع است. شهید اول و محقق حلی قول به جواز قرائت سوره عزیمه در نماز و با اشاره انجام دادن سجده را به ابن جنید نسبت داده‌اند (عاملی جزینی، ۱۴۱۹: ۳۲۳/۳؛ محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۷۵/۲). شهید ثانی ضمن نسبت دادن قول جواز به ابن جنید، خود نیز آن را بعید نمی‌داند (جبی عاملی، بی‌تا: ۲۶۶). همچنین جمعی از فقهای متأخر و معاصر، فتوا به انجام سجده با اشاره داده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۱۱/۴؛ حائری یزدی، ۱۳۶۲: ۱۶۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۳۴۲/۳؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۴۵۴/۴).

۲-۲. نظریه دوم: وجوب سجده در حال نماز

برخی فقها به طور مطلق و در هر حال، سجده را بر مأمومی که پشت سر امام جماعت به نماز مشغول است و امام یکی از سوره‌های عزیمه را در نماز می‌خواند، واجب می‌دانند.

۱-۲-۲. دلایل قول دوم

۱-۱-۲-۲. دلیل اول

دلیل اول عبارت است از اطلاق مستثنای موجود در روایت عبدالله بن سنان که می‌گوید:

«عن عبد الله بن سنان، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل يسمع السجدة، تقرأ؟ قال: لا يسجد إلا أن يكون منصتاً لقراءته مستمعاً لها أو يصلّي بصلاته، فأما أن يكون يصلّي في ناحية وأنت تصلّي في ناحية أخرى، فلا تسجد لما سمعت» (کلینی، ۱۳۶۷).

۳/۳۱۸؛ ... [شنونده آیه سجده در نماز] نباید سجده کند، مگر [دو گروه]: کسی که به آیه سجده گوش فرا بدهد و دیگری کسی که پشت سر تلاوت کننده آیه عزیمه به نماز ایستاده است....

اطلاق امر به سجده در این روایت که مخاطب آن شخص مأوم است، هم شامل جایی است که امام سجده تلاوت را در وسط نماز انجام دهد و هم شامل جایی است که امام سجده نکند. در هر دو صورت، وظیفه مأوم آن است که با شنیدن آیه عزیمه سجده آن را انجام دهد، هرچند در وسط نماز باشد.

محقق کرکی در ذیل این روایت گفته است:

«إذ مقتضاها الوجوب على من يصلّي بصلاة التالى لها على كلّ حال» (کرکی عاملی، ۱۴۰۸: ۳۱۱/۲؛ مقتضای این روایت، وجوب سجده تلاوت بر مأوم است در هر حال).

۲-۲-۲. دلیل دوم

دلیل دیگر این قول آن است که علامه حلی یک قاعده کلی را در مورد آیه سجده بیان کرده است. براساس این قاعده، هرچند تلاوت کننده آیه سجده، خود سجده تلاوت را انجام ندهد، بر مستمع سجده کردن واجب است؛ چه اینکه مقتضای سجده موجود است و ترک واجب توسط دیگری، دلیل اباحه ترک واجب بر سایر مکلفان نمی شود (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۲۶۲/۵).

۲-۲-۲. نقد و بررسی

۱-۲-۲-۲. اشکال دلیل اول

گرچه ظهور اولیه این روایت می تواند سجده متعارف باشد، یعنی به محض شنیدن آیه سجده، مستمع باید سجده انجام دهد و ترک آن جایز نیست، قرائتی وجود دارد بر اینکه لزوم سجده متعارف منحصر آنجاست که امام سوره عزیمه را در نماز تلاوت و خود در نماز سجده نماید؛ اما در صورت ترک سجده توسط او، دیگر سجده معمولی تعیین پیدا نمی کند و ایماء جایگزین آن می شود. شاهد این مطلب روایت ذیل است:

«عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن صليت مع قوم فقرا الإمام «اقرأ باسم ربك»

الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾ أَوْ شَيْئاً مِّنَ الْعِزَائِمِ، وَفَرَّغَ مِنْ قِرَاءَتِهِ وَلَمْ يَسْجُدْ، فَأَوْمَ إِيمَاءً...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۸/۴).

۲-۲-۲. اشکال دلیل دوم

مجاز نبودن ترک عمل از سوی یک نفر برای ترک عمل از سوی دیگران، در صورتی است که اصل وجوب آن عمل ثابت شده باشد، درحالی که در محل بحث، اصل وجوب سجده در حال نماز ثابت نشده و ابتدای کلام است. به علاوه بر فرض که بگوییم اصل عمل در اینجا واجب است، مراد از عمل می تواند نفس عمل یعنی سجده و یا بدل آن یعنی ایما و اشاره باشد.

۲-۳. نظریه سوم: سجده بعد از نماز

از کلمات برخی فقها در فروع مشابه محل بحث استفاده می شود که لازم است سجده تلاوت، بعد از سلام نماز انجام شود (همدانی، بی تا: ۲۹۴/۲). توضیح بیشتر در مورد این نظر در ضمن ادله بیان خواهد شد.

۲-۳-۱. دلایل این نظر

۲-۳-۱-۱. دلیل اول

اولین دلیل این قول، استصحاب حرمت قطع نماز است؛ زیرا قطع نماز قبل از شنیدن آیه سجده بر نمازگزار حرام است. بعد از شنیدن آیه سجده شک می کند که حالا که آیه سجده را شنیده است، آیا در همان حال باید نمازش را قطع کند و سجده را انجام دهد و یا مثل قبل از شنیدن آیه سجده، قطع نماز حرام است و نباید در حال نماز سجده کند، بلکه باید آن را به بعد از نماز موکول نماید؟ استصحاب حرمت ایجاد خلل در نماز و جلوگیری از به هم خوردن هیئت نماز اقتضا می کند که سجده را در نماز ترک نموده و به بعد از نماز موکول کند.

۲-۳-۱-۲. دلیل دوم

دلیل دوم تمسک به اصالة البرائة است؛ با این توضیح که بعد از ادعای انصراف ادله

فوریت سجده به صورت عدم اشتغال به نماز یا تعارض آن با ادله حرمت شکستن نماز، در صورت شک در وجوب سجده در حال نماز، به اصل براءت تمسک می کنیم و از سجده در حال نماز خودداری کرده و آن را به بعد از نماز موکول می نماییم.

صاحب مصباح الفقیه ضمن نقل این نظریه گفته است که اگر بحث جایگزینی بدل سجده یعنی اشاره و ایما نباشد، این قول، قول خوبی است (همان).

۳-۱-۳-۲. دلیل سوم

دلیل دیگر این نظریه عبارت است از قیاس سجده مأموم در محل بحث به سجده امام جماعتی که از روی فراموشی در نماز آیه سجده را تلاوت کند. طبق نظر ابن ادریس در صورت قرائت آیه سجده توسط امام از روی فراموشی، لازم است سجده تلاوت را بعد از نماز قضا نماید:

«فإن كان قراءته لها ناسياً، لا على طريق التعمد، فالواجب عليه المضى في صلاته، فإذا سلم، قضى السجود ولا شيء عليه» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۱۷/۱).

از آنجا که محل بحث، شبیه مسئله فوق است، یعنی در هر دو مسئله، آیه سجده در حال نماز تلاوت شده و نیز محذور در هر دو مورد یکسان است، قاعداً حکم هر دو مورد نیز مثل هم خواهد بود و می توان گفت که در هر دو حالت، سجده به بعد از نماز موکول می شود.

۴-۱-۳-۲. دلیل چهارم

دلیل چهارم، تراحم وجوب سجده با لزوم حفظ هیئت اتصالیه نماز است. از کلام برخی فقها چنین برداشت می شود که گرچه انجام سجده، واجب فوری است، اما حفظ هیئت نماز و ادامه دادن آن و عدم قطع نیز واجبی دیگر است. به نظر آنان، به تأخیر انداختن سجده، از به هم زدن هیئت نماز آسان تر است؛ چون این دو وجوب در یک رتبه نیستند. اطلاق وجوب سجده که هم حال نماز و هم غیر حال نماز را شامل می شود، امری اتفاقی نیست، ولی مضی در نماز و عدم قطع آن، بدون هیچ اختلافی واجب می باشد.

«فالأولی أن یتوقّف عن السجود ویمضی فی صلاته، فإذا سلّم سجد حیثنّذ» (سید مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۰۵: ۳۶۲/۲).

گرچه این استدلال برای تأخیر سجده عزیمه در نماز فرادا و غیرعمدی بودن قرائت آیه عزیمه در نماز است، اما به لحاظ وحدت ملاک، شامل نماز جماعت و محل بحث نیز می‌شود.

۲-۳-۲. نقد و بررسی

۲-۳-۲.۱. اشکال دلیل اول

اولاً با فرض وجود دلیل اجتهادی و روایت، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد. ثانیاً حرمت شکستن نماز که قبل از شنیدن تلاوت آیه سجده وجود داشت و بعد از تلاوت، بقاء آن را استصحاب می‌کنیم، دلالتی بر وجوب تأخیر سجده و انجام آن بعد از سلام نماز ندارد، مگر در صورتی که ما اصل مثبت را حجت بدانیم؛ زیرا لازمه عقلی حرمت شکستن نماز با انجام سجده متعارف در حین نماز، تأخیر سجده به بعد از سلام است و کاملاً روشن است که اصل مثبت حجت نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۱۵). ثالثاً شرط صحت استصحاب، بقاء موضوع است و شاید بتوان گفت که در اینجا موضوع تغییر کرده است؛ چه اینکه موضوع حرمت قطع نماز، انسانی است که سوره سجده بر او تلاوت نشده است، در صورتی که موضوع مشکوک، مأمومی است که امام او، سوره سجده تلاوت نموده است.

۲-۳-۲.۲. اشکال دلیل دوم

اولاً با توجه به وجود دلیل اجتهادی و روایاتی که ایماء را به جای سجده قرار داده‌اند، نوبت به اصل برائت نمی‌رسد؛ همان‌گونه که جای استصحاب هم نیست. ثانیاً این اصل مثبت است و قابل جریان نیست.

۲-۳-۲.۳. اشکال دلیل سوم

این دلیل در واقع یک نوع قیاس ظنی است که مردود بوده و نمی‌توانیم برای اثبات حکم شرعی به آن تمسک کنیم.

گرچه تراحم بین انجام سجده و حفظ هیئت اتصالیه قابل قبول است، لیک با وجود امر به ایماء که در روایات آمده و تراحم را برمی دارد، نیازی به انجام سجده بعد از اتمام نماز نمی باشد.

به ویژه اینکه ایماء بدل از سجده است و جایگزین آن می شود و دیگر نیاز به طرح این مباحث نخواهیم داشت؛ همان گونه که برخی فقها نیز به این مطلب اشاره کرده اند (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۲-۱۵۵).

آیه الله خویی هم ضمن تأکید بر انجام سجده با ایماء و اشاره در حال نماز، در رد این قول می فرماید:

«اگر تأخیر سجده به بعد از نماز جایز بود، وجهی نداشت که امام علیه السلام دستور دهد که سجده با ایماء که در صورت تعذر سجده، بدل آن می باشد، انجام گیرد» (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۲۱۹/۴).

۴-۲. نظریه چهارم: جمع میان اشاره در حال نماز و انجام سجده بعد از نماز

صاحب جوهر این نظر را به برخی فقها نسبت داده است. به اقتضای جمع بین روایات، مکلف هنگام شنیدن آیه عزیمه در بین نماز، لازم است سجده اش را به صورت ایماء و اشاره ای انجام داده و بعد از نماز نیز اصل سجده را به جا آورد. وی گفته است:

«در برخی روایات آمده است که در صورت استماع آیه سجده در نماز واجب، باید با ایماء و اشاره سجده را انجام داد. در برخی دیگر از روایات، انجام سجده با شنیدن آیه سجده، واجب دانسته شده است. برخی فقها بین دو دسته روایات جمع کرده و قائل شده اند که باید هر دو کار را انجام دهیم؛ یعنی هم در حال نماز با ایماء و اشاره سجده کنیم و هم بعد از سلام نماز، سجده تلاوت را انجام دهیم» (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۴۹/۹).

سخن برخی دیگر از فقها نیز مؤید همین قول است؛ مانند عبارت علامه تستری که می گوید: «لو فعل یومئ لها ویأتی بها بعد» (تستری، ۱۴۰۶: ۲۶۹/۲).

همچنین شهید ثانی در کتاب مسالک برای جایی که نمازگزار از روی سهو آیه سجده را در نماز تلاوت کرده، همین نظر را برگزیده است؛ با این تفاوت که از انجام

سجده بعد از نماز با عنوان قضا یاد نموده است (جبی عاملی، ۱۴۱۳: ۲۰۶/۱).

آیه‌الله بهجت اصل حرمت قرائت سوره عزیمه در نماز و بطلان نماز به‌خاطر آن را محل تأمل دانسته، معتقد است در صورت استماع سوره عزیمه در حال نماز، باید سجده را با ایماء در نماز انجام داد و بعد از نماز احتیاطاً سجده نمود (بهجت، ۱۳۸۱: ۲۰۲/۱).

۲-۴-۱. دلیل این نظریه

دلیل این نظریه در واقع جمع میان دو دسته از روایات است. روایاتی داریم که گفته‌اند لازم است سجده عزیمه در حال نماز با ایماء انجام شود. نیز روایات دیگری وجود دارند که با شنیدن آیه عزیمه، سجده را واجب می‌دانند. تعبد به هر دو دسته از روایات، مقتضی این است که در بین نماز با ایماء و بعد از نماز با سجده تکلیف خود را انجام دهیم (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۴۹/۹).

۲-۴-۲. اشکال این نظریه

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ایماء، جایگزین سجده واجب سوره عزیمه در حال نماز و بدل آن قرار گرفته و در روایات به این مسئله تصریح شده است، انجام سجده بعد از سلام نماز به‌عنوان یک تکلیف واجب و الزامی قابل اثبات نباشد و در صورت شک در وجوب، با اصل برائت وجوب آن منتفی می‌شود. بنابراین، این قول مستند نمی‌باشد.

۲-۵. نظریه پنجم: تخییر بین ایماء در اثناء نماز یا قضای سجده بعد از

سلام نماز

علامه حلی در تذکره، کسی را که در حال نماز به قرائت آیه سجده گوش داده است، بین ایماء در اثناء نماز یا قضای سجده بعد از نماز مخیر دانسته است: «... أو استمع أوماً أو قضی» (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۷/۳). با توجه به اینکه فرض محل بحث نیز تحت شمول این مسئله قرار می‌گیرد، باید گفت یکی از نظرات، تخییر بین ایماء و قضا به حساب می‌آید.

۱-۵-۲. دلیل این نظریه

دلیل خاصی برای این نظریه ذکر نشده است. شاید همان دلیلی که برای نظریه قبل بیان شد، علامه را واداشته که قائل به تخییر شود. همان طور که گذشت، برخی روایات دستور به ایماء داده و برخی روایات دیگر، امر به سجده نموده اند. بنابراین هر کدام را انجام دهیم، مجزی است و تکلیف خود را انجام داده ایم.

۲-۵-۲. اشکال این نظریه

این نظر نیز محل تأمل است و نمی توان قول به تخییر را پذیرفت. در روایات متعددی برای فرض مورد بحث، امر به ایماء شده است. ظاهر اوامر فوق، وجوب تعیینی ایماء است. با توجه به این ظهور، وجهی برای قول به تخییر باقی نمی ماند. از جمله این روایات می توان به حدیث ذیل اشاره کرد:

«عن أبي بصير عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن صَلَّيْتَ مع قوم فَقَرَأَ الإمام ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ أو شيئاً من العزائم، وفرغ من قراءته ولم يسجد، فأومِ إيماءً...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۸/۴).

۲-۶. نظریه ششم: رکوع به جای سجده

شهید اول در ذکر (عاملی جزینی، ۱۴۱۹: ۳۲۴/۳) روایتی را آورده که در آن آمده است: «إذا كان السجود آخرها، أجزأ الركوع بها»؛ یعنی در صورتی که محل سجده در آخر سوره باشد، رکوع جای سجده را می گیرد و مجزی است. سپس گفته است: «شیخ طوسی این روایت را بر جایی حمل کرده است که نمازگزار با کسانی نماز می خواند که نمی تواند در آن حال در وسط نماز، سجده را انجام دهد و بعد بایستد» (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۹۲/۲).

ظاهراً مقصود این است که در فرض اقتدا به امام جماعت اهل سنت و عدم سجده امام، که محل بحث ما همین حالت می باشد، با فرض اینکه محل سجده آخر سوره باشد، رکوع جایگزین سجده می شود.

۲-۶-۱. دلیل این نظریه

دلیل این نظریه، روایت وهب بن وهب از امام صادق علیه السلام است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِذَا كَانَ آخِرُ السُّورَةِ السَّجْدَةِ، أَجْزَأُكَ أَنْ تَرْكَعَ بِهَا» (همان). مرجع ضمیر «بها» ظاهراً «السجدة» است که منظور همان آیه سجده است و در نتیجه باء، ظهور در سببیت داشته و معنای آیه این می‌شود: اگر به سبب آیه سجده، رکوع انجام دهد، مجزی است.

۲-۶-۲. اشکال این نظریه

با توجه به اینکه در روایت آمده است: «وإن كان مع إمام لا يسجد، أو مأ بها ورکع» و کلمه ایماء در آن ذکر شده است، باید گفت منظور از رکوع، رکوع نماز است و در واقع ایماء جایگزین سجده شده است نه رکوع؛ لذا این نظر در میان فقیهان شیعه مورد توجه نمی‌باشد.

۲-۷. نظریه هفتم: وجوب اشاره و کفایت آن به جای سجده

نظر دیگر در میان فقهای امامیه این است که اگر امام جماعت علی‌رغم قرائت آیه سجده در نماز از انجام سجده خودداری کرد، مأمومین نمی‌توانند سجده را ترک کنند؛ بلکه لازم است سجده تلاوت را با ایماء و اشاره انجام دهند. شیخ طوسی در این مورد می‌فرماید:

«ومن صلّى خلف من لا يقتدى به، فقرأ سجدة العزائم ولم يسجد الإمام، سجد إيماء» (همو، ۱۳۸۷: ۱۱۴/۱ و ۱۶۰).

علامه حلی در مقام اثبات وجوب سجده با اشاره گفته است:

«سجده تلاوت با مطلق امر واجب شده است. حال که انجام سجده متعذر است، لازم است بدل آن که اشاره باشد، آورده شود» (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۵).

علامه در جایی دیگر گفته است:

«اگر تلاوت کننده آیه سجده خود سجده نکند، بر مستمع سجده کردن واجب است و این مطلب مورد قبول فقهای امامیه می‌باشد» (همو، ۱۴۱۴: ۲۱۹/۳-۲۲۰).

به نظر ایشان فرق نمی‌کند که تالی آیه سجده، امام باشد یا غیر امام (همان). آنگاه

علامه در مقام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌گوید: اگر امام جماعت امامی‌مذهب باشد و از روی فراموشی آیه سجده را بخواند، هم خودش و هم مأمومین باید با اشاره سجده را انجام دهند و اگر امام از مخالفان باشد و سجده را در نماز انجام دهد، مأموم نباید از او تبعیت کند، بلکه با اشاره سجده نماید و اگر امام سجده را ترک کند، باید در ترک سجده از او تبعیت نموده و با ایماء و اشاره سجده را انجام دهد (همان؛ همو، ۱۴۱۰: ۴۹۷/۱).

علامه یک قاعده کلی را در مورد آیه سجده بیان می‌کند و آن اینکه هرگاه تلاوت‌کننده آیه سجده، خودش سجده نکند، بر مستمع سجده کردن واجب است (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۲۱۲/۴؛ مروارید، ۱۴۱۰: ۸۸۷/۴).

برخی دیگر از فقها وظیفه مأموم را در محل بحث همان ایماء می‌دانند، اما قید تقیه را هم ذکر کرده‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵: ۲۰۲/۱؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۱۴۹/۱۷؛ بیهقی کیدری، ۱۴۱۶: ۹۰).

۲-۱۷. دلیل این نظریه

برای اثبات این نظریه به چند مقدمه نیاز داریم.

مقدمه اول آن است که اصل سجده در فرض مورد بحث که امام آیه سجده را تلاوت کرده و خود سجده را ترک نموده، بر مأموم واجب است. پیش‌ازاین توضیح داده شد که روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارند؛ مثلاً روایتی از امام صادق ع بدین مضمون نقل شده است:

«عن عبد الله بن سنان، قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجل يسمع السجدة، تقرأ؟ قال: لا يسجد إلا أن يكون منصتاً لقراءته مستمعاً لها أو يصلّي بصلاته...» (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/۳۱۸)؛ ... [شنونده آیه سجده در نماز] نباید سجده کند، مگر [دو گروه]: کسی که به آیه سجده گوش فرا بدهد و دیگری کسی که پشت سر تلاوت‌کننده آیه عزیمه به نماز ایستاده است....

محقق کرکی در ذیل این روایت گفته است:

«إذ مقتضاها الوجوب على من يصلّي بصلاة التالى لها على كل حال» (کرکی عاملی، ۱۴۰۸: ۳۱۱/۲-۳۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۲: ۲۶۲/۵)؛ مقتضای این روایت وجوب سجده

تلاوت بر مأموم است در هر حال.

حتی علامه حلی وجوب سجده در محل بحث را مورد قبول همه فقها دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۲۱۹/۳-۲۲۰).

مقدمه دوم آن است که سجده در حال نماز متعذر است و ما نمی‌توانیم با انجام سجده، هیئت اتصالیه نماز را به هم بزنیم؛ چون موجب زیادی در نماز می‌شود. بنابراین باید سراغ بدل و جایگزین سجده برویم که همان ایماء و اشاره باشد (همو، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۵). مقدمه سوم آن است که در روایات متعدد آمده است در صورت گوش دادن به آیه سجده در حال نماز، لازم است با ایماء و اشاره سجده عزیمه را انجام دهیم. از این مقدمات نتیجه می‌گیریم که در فرض محل بحث، باید قائل به انجام سجده با اشاره شویم. علامه در این باره می‌گوید:

«لو كان مع إمام ولم يسجد الإمام ولم يتمكّن من السجود فليؤم إيماءً لقول الصادق عليه السلام: إن صَلَّيتَ مع قوم فقرأ الإمام ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ وشيئاً من العزائم، وفرغ من قراءته لم يسجد، فأؤم لها» یا «فأؤم إيماءً» (همو، ۱۴۱۴: ۱۱۶/۱؛ همو، ۱۴۱۰: ۴۶۷/۱؛ همو، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۸/۱).

همچنین روایت دیگری از سماعه نقل شده است، بدین مضمون که: «إذا ابتليت بها مع إمام لا يسجد فيجزيك الإيماء والركوع» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۷/۴) و نیز این روایت: «وإن كان مع إمام لا يسجد أوماً بها وركع» (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۹۲/۲). محقق حلی نیز بر آن است که اصل سجده تلاوت واجب است و در آن تردیدی نیست؛ لکن چون انجام آن متعذر است، باید بدل آن را انجام دهیم (محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۹۱/۲).

۳. نظریه برگزیده

به نظر می‌رسد از میان اقوال مختلف ذکر شده، همین قول یعنی جبران سجده از طریق ایماء و اشاره مناسب‌تر است.

۳-۱. دلیل نظریه برگزیده

۱- دلیل بر این مطلب به طور خلاصه عبارت است از وجود مقتضی و فقدان مانع؛ وجود مقتضی به خاطر تمام بودن مقدمات سه گانه‌ای که برای بیان دلیل این قول تبیین شد، و فقدان مانع به خاطر ناتمام بودن دلایل تمام اقوال دیگر.

۲- از یک سو آن گونه که بیان شد، دلایل متقنی بر اصل وجوب سجده در صورت قرائت سوره عزیمه وجود دارد. از دیگر سوی روایات ایماء، حاکم بر روایات وجوب و مفسر آنهاست؛ یعنی با تصرف توسعه‌ای در موضوع، گستره سجده قابل قبول برای قرائت سوره عزیمه در بین نماز را بیان می‌کند و با وجود چنین تفسیری نیاز به اعاده آن نمی‌باشد.

۴. بررسی صحت نماز مأموم در محل بحث

اقتدا به امام جماعتی که آیه سجده را در نماز قرائت می‌کند و خودش سجده سوره عزیمه را انجام نمی‌دهد، با توجه به انجام دادن سجده یا ترک آن توسط مأموم، صور مختلفی پیدا می‌کند که از دو جهت در مورد مأموم قابل بررسی است: جهت اول، مسئله معصیت و عدم معصیت مأموم در فروض مختلف است که موضوع این جستار نمی‌باشد. جهت دوم، صحت و عدم صحت نماز مأموم است که در ضمن چند فرض مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. فرض اول: ترک سجده و ایماء

این مسئله دو صورت پیدا می‌کند: یکی صحت و عدم صحت نماز جماعت مأموم است و دیگری صحت و عدم صحت نماز این شخص به صورت فرادست.

حال با توجه به اینکه وظیفه مأموم در نماز جماعت، تبعیت از امام است، در اینجا که امام بعد از قرائت آیه سجده، بدون آنکه سجده کند به نمازش ادامه داده است، ترک سجده توسط مأموم به تبعیت از امام، کاری پسندیده و براساس دستور کلی تبعیت از امام، امری مطلوب است. اما روایاتی که ایماء را در این حالت لازم می‌دانند، وظیفه مأموم را تغییر داده و ایماء را بر او واجب می‌کنند و در این صورت، ترک ایماء گرچه

موجب معصیت می‌شود، لیک این مسئله ملازم با بطلان نماز نیست؛ چنان‌که نگاه به نامحرم در حال نماز نیز معصیت است، اما نماز را باطل نمی‌کند. در نتیجه نمی‌توان حکم به بطلان نماز این شخص نمود و از آنجا که ایماء، هیئت نماز جماعت را نیز به هم نمی‌زند، می‌توان حکم به صحت نماز جماعت این شخص هم صادر کرد. پس خلاصه این فرض این می‌شود که در مجموع، نماز این مأموم مشکلی ندارد و صحیح است.

۲-۴. فرض دوم: انجام سجده با اشاره

به نظر بسیاری از فقها، نماز در این فرض صحیح است؛ زیرا قبلاً بیان شد که سجده عزیمه دارای بدل است و در هر جایی که از انجام سجده عزیمه معذور باشیم، از بدل آن یعنی ایماء استفاده می‌کنیم. در حال نماز مخصوصاً در فرض مورد بحث که امام جماعت علی‌رغم تلاوت آیه سجده، از انجام سجده خودداری نموده است و از طرف دیگر بر مأموم تبعیت از امام واجب است، قطعاً مجاز به ترک تبعیت از امام نیستیم و از انجام سجده معذوریم. بنابراین وظیفه ما، انجام بدل سجده است و نماز صحیح خواهد بود.

برخی فقها مثل شیخ طوسی به صحت نماز در این فرض تصریح کرده‌اند: «اگر شخصی به امام سنی اقتدا کند و امام آیه سجده را در نمازش بخواند، ولی سجده نکند و مأموم با اشاره سجده را انجام دهد، این نماز صحیح و مجزی است» (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۱؛ ر.ک: مروارید، ۱۴۱۰: ۶۳۰/۴ و ۸۸۷).

برخلاف خود سجده که به نظر برخی فقها موجب زیادی در فریضه می‌شود، سجده با ایماء و اشاره که بدل سجده است، موجب ایجاد خلل در نماز نیست و چنین نمازی صحیح می‌باشد (همدانی، بی‌تا: ۲۹۴/۲).

صحت نماز در این حالت کاملاً روشن است؛ زیرا در صورت تعذر سجده متعارف در حال نماز، بدل آن یعنی ایماء جایگزین آن می‌شود. بنابراین صورت نماز به هم نمی‌خورد و سجده عزیمه هم با انجام بدل آن انجام می‌شود. فقط طبق نظر کسانی که تلاوت آیه سجده در نماز را مبطل نماز می‌دانند، ممکن

است گفته شود نماز امام از نظر مأموم صحیح نیست، لذا اقتدا کردن به او صحیح نمی‌باشد و در نتیجه نماز مأموم نیز باطل خواهد بود. اما اگر سجده تلاوت را موجب بطلان نماز امام ندانیم، نماز صحیح است.

البته همان‌طور که قبلاً بیان کردیم، برخی فقها نماز را در فرض فوق با فرض تحقق شرایط تقیه صحیح می‌دانند. مفهوم سخن آنان، مجزی نبودن این نماز در جایی است که شرایط تقیه فراهم نمی‌باشد (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵: ۲۰۲/۱؛ بیهقی کیدری، ۱۴۱۶: ۹۰).

۴-۳. فرض سوم: انجام سجده بعد از سلام

اگر امام در نماز آیه سجده را بخواند، ولی سجده نکند و مأموم نیز از انجام سجده در وسط نماز خودداری کرده، ولی آن را بعد از سلام نماز انجام دهد، بر مبنای نظر ابن جنید این نماز صحیح است.

شهید ثانی بعد از نقل این مطلب از ابن جنید بر آن اشکال گرفته که از نظر مأموم، نماز امام باطل است؛ بنابراین نمی‌تواند به او اقتدا کند (جعی عاملی، ۱۴۱۰: ۶۰۸/۱).

در این حالت، اگر ایماء را واجب ندانیم و بگوییم وظیفه مأموم فقط همان سجده بعد از نماز است، روشن است که از جهت خود مأموم این نماز مشکلی ندارد و صحیح است. لیکن از این جهت که امام در نماز آیه عزیمه را تلاوت کرده و برخی از فقها این کار را موجب بطلان نماز می‌دانند، بر این مبنا، نماز امام از نظر مأموم باطل است و در نتیجه او هم که به امام فوق اقتدا کرده، نمازش باطل خواهد بود. علت اینکه شهید ثانی قائل به بطلان نماز است، همین جهت می‌باشد.

اما بر مبنای صحیح که قرائت آیه عزیمه در نماز را مبطل نماز ندانیم، نماز امام و مأموم هر دو صحیح می‌باشد.

در صورتی که ایماء را در حال نماز به‌خاطر استماع آیه سجده واجب هم بدانیم، باز نتیجه همان چیزی است که ذکر شد؛ زیرا ترک ایماء توسط مأموم در نماز، حداکثر اثری که دارد، انجام یک معصیت توسط مأموم است و انجام معصیت در حین نماز موجب بطلان نماز نمی‌شود.

۴-۴. فرض چهارم: انجام سجده با اشاره در وسط نماز و سجده بعد از سلام

به نظر همه فقهای که وظیفه مأموم را ایماء می‌دانند، در این حالت نیز نماز صحیح است؛ زیرا مأموم در هر صورت وظیفه خودش را انجام داده است و نهایتاً بعد از سلام نماز که نماز به پایان رسیده، سجده عزیمه را نیز اتیان کرده است. بنابراین نماز صحیح است و سجده فوق لطمه‌ای به صحت نماز نمی‌زند (جوادی آملی، ۱۳۸۸/۰۹/۲۴).

همان‌طور که قبلاً گفته شد، تنها بر مبنای کسانی که اساساً قرائت آیه عزیمه در نماز را موجب بطلان نماز می‌دانند، نماز امام اشکال پیدا می‌کند و به تبع بطلان نماز امام، نماز مأموم نیز باطل خواهد بود.

۵-۴. فرض پنجم: انجام سجده در وسط نماز علی‌رغم ترک سجده

توسط امام

در این فرض از دو جهت صحت نماز مأموم با اشکال مواجه است. جهت اول آن است که با انجام سجده عزیمه در حال نماز، صورت و هیئت نماز به هم می‌خورد و حرکات اضافه‌ای به آن افزوده می‌شود. دیدگاه کسانی که قرائت سوره عزیمه در نماز را جایز نمی‌دانند، ناشی از همین مسئله است. اما اگر کسی قرائت آیه سجده در نماز و انجام سجده در نماز را جایز بداند که نظر برگزیده نیز همین است (امامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۷-۲۷۳)، از نظر او انجام سجده در وسط نماز مشکلی ندارد. لیک جهت دیگری که موجب تردید در صحت نماز فوق برای مأموم می‌شود، عدم تبعیت مأموم از امام در حال نماز است؛ زیرا در نماز جماعت واجب است که مأموم در همه حرکات تابع امام باشد و به دنبال او حرکت کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰: ۱۵۶/۳). حال اگر امام بعد از قرائت آیه سجده، بدون انجام سجده وارد جزء بعدی نماز شود، ولی مأموم سرگرم انجام سجده عزیمه شود، مخصوصاً اگر هیئت و شکل جماعت به هم بخورد، صحت نماز جماعت مورد اشکال قرار می‌گیرد (همان).

اما از آنجا که عدم تبعیت از امام در نماز جماعت، تنها موجب معصیت می‌شود، نه بطلان اصل نماز (همان)، در این فرض هم می‌توان حکم به صحت نماز نمود. بلی، چنانچه انجام سجده مأموم بدون امام، هیئت نماز جماعت را به هم بزند، فقط نماز

جماعت این شخص باطل می‌شود؛ زیرا بطلان نماز جماعت یک مسئله است و بطلان نماز فرادا مسئله‌ای دیگر است و می‌توان گفت که نماز مأموم تبدیل به نماز فرادا شده و صحیح است.

امام خمینی در این رابطه می‌فرماید:

«بر مأموم متابعت از امام در افعال واجب است؛ به این معنا که حق پیش افتادن از او یا به تأخیر انداختن فاحش عمل از او را ندارد. در صورت ترک متابعت از امام، اصل نماز و نیز جماعت صحیح است و فقط معصیت نموده است.... البته در صورت پیشی گرفتن یا تأخر زیاده از حد که موجب به هم خوردن هیئت نماز جماعت شود، نماز جماعت باطل، ولی اصل نماز صحیح می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۲۷۲/۱).

نتیجه‌گیری

اگر امام جماعت در قرائت نماز، یکی از آیات عزیمه را تلاوت کند و بدون انجام سجده، از آن بگذرد و وارد جزء بعدی نماز شود، در بین فقیهان شیعه دیدگاه‌های متفاوتی به شرح زیر وجود دارد: لزوم ترک سجده توسط مأومین (بدون جبران آن با ایماء یا سجده بعد از سلام)، وجوب سجده در حال نماز، سجده بعد از نماز، جمع میان اشاره در وسط نماز و انجام سجده بعد از پایان نماز، تأخیر بین ایماء در اثناء نماز یا قضای سجده بعد از سلام نماز، رکوع به جای سجده و وجوب اشاره تنها به جای سجده. از میان اقوال ذکرشده، نظریه جبران سجده با استفاده از ایماء و اشاره، به دلیل وجود مقتضی و فقدان مانع و نیز به دلیل حاکمیت روایات ایماء بر روایات دال بر وجوب سجده، از همه اقوال مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

حال در صورت قرائت آیه سجده توسط امام و خودداری وی از انجام سجده، برای مأوم حالات مختلفی قابل فرض است. نهایت، در برخی فروض، نماز او به صورت جماعت صحیح است و در برخی فروض، نماز او به نماز فرادا تبدیل می‌شود؛ ولی درعین حال باز هم صحیح است. البته بنابر برخی مبانی که اساساً تلاوت آیه سجده در نماز را جایز نمی‌دانند، نماز مأوم به جهت بطلان نماز امام دارای اشکال خواهد بود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶. اشتهاودی، علی بنه، مدارک العروه، تهران، دار الاسوه، ۱۴۱۷ق.
۷. امامی، محمد، سیدمهدی نقیبی، و محمد مهدی یزدانی کمرزرد، «بازکاوی حکم قرائت سوره عزیمه در نماز از منظر فقه مذاهب اسلامی»، دوفصلنامه پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش.
۸. امامی، محمد، محمد مهدی یزدانی کمرزرد، و سیدمهدی نقیبی، «وظیفه فقهی مأموم در صورت انجام سجده سوره عزیمه توسط امام»، فصلنامه پژوهش نامه حج و زیارت، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش.
۹. بهجت، محمدتقی، وسیلة النجاة، چاپ دوم، قم، شفق، ۱۳۸۱ش.
۱۰. بیهقی کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، اصباح الشیعة بمصباح الشریعة، تصحیح ابراهیم بهادری مراغی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
۱۱. تستری، محمدتقی، النجعة فی شرح اللمعة، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۶ق.
۱۲. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۰ق.
۱۳. همو، المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الالفیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۴. همو، روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، بی تا.
۱۵. همو، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، «استفتاء درباره احکام نماز جماعت»، ۲۴ آبان ۱۳۸۸ش، دسترس پذیر در وبگاه اسراء به نشانی: <https://javadi.esra.ir>.
۱۷. حائری یزدی، عبدالکریم، کتاب الصلاة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۱۸. حجّتی، سیدمحمدباقر، تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دار الکتاب، ۱۴۱۲ق.
۲۱. حسینی زبیدی، محب الدین ابوفیض سیدمحمدمرتضی بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق عبدالستار احمد فراج، بیروت، دار الهدایه، ۱۳۸۹ق.
۲۲. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین موسوی بغدادی، رسائل الشریف المرتضی، مقدمه سیداحمد حسینی اشکوری، گردآوری سیدمهدی رجائی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.

۲۳. سیوطی رحیبانی، مصطفی، *مطالب اولی الثهی فی شرح غایة المنتهی*، دمشق، المكتب الاسلامی، ۱۹۶۱م.
۲۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الامالی*، قم، بعثت، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، *منهاج الصالحین*، بیروت، دار الصفوة، ۱۴۱۵ق.
۲۶. طباطبایی یردی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم، *العروة الوثقی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، چاپ دوم، بی جا، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
۲۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۹. همو، *المبسوط فی فقه الامامیه*، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
۳۰. همو، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۱. عاملی جزینی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین مکی، *ذکر الشیعة فی احکام الشریعه*، قم، ستاره، ۱۴۱۹ق.
۳۲. علامه حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۳۳. همو، *مختلف الشیعة فی احکام الشریعه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۴. همو، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق.
۳۵. همو، *نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۳۶. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *نهاية التفریر فی مباحث الصلاة*، تقریر مباحث سید حسین طباطبایی بروجردی، چاپ سوم، قم، مرکز فقه الاثمة الاطهار علیهم السلام، ۱۴۲۰ق.
۳۷. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی، *کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۳۸. فراهیدی، ابوعبدالرحمن خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم، مؤسسه الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۳۹. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۴ش.
۴۰. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۴۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۴۲. محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سید الشهداء علیهم السلام، ۱۳۶۴ش.
۴۳. مروارید، علی اصغر، *سلسلة التنايع الفقهيہ*، بیروت، دار التراث - الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، «درس خارج فقه»، ۲۶/۰۹/۱۳۹۲ش، دسترس پذیر در وبگاه مدرسه فقاہت به نشانی: <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/92/920926>.
۴۵. ملیباری هندی، زین الدین احمد بن عبدالعزیز، *فتح المعین بشرح قرۃ العین بمهمات الدین*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق.

۴۶. موسوی خمینی، سیدروح الله، *تحریر الوسیله*، چاپ دوم، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق.
۴۷. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *کتاب الصلاة*، چاپ سوم، قم، دار الهادی، ۱۴۱۰ق.
۴۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۴۹. نووی، ابوزکریا محیی الدین بن شرف، *المجموع شرح المذهب*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۵۰. همدانی، رضا بن محمدهادی، *مصباح الفقیه*، تهران، مکتبه الصدر، بی تا.

